MEJDS. ۲۰۱۹; 9:90.

Published online 2019 Dec. **Research Article**

A Model of Marital Adjustment based on Parenting Styles by Mediating the Role of Coping and Impaired Limits Schema

Inanloo Ganji S[1], *Monirpoor N[2], Zargham Hajebi M[3]

Author Address
1.PhD of Counseling, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
2. PhD of Health Psychology, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
3. PhD of Psychology, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran.
***Corresponding Author Email:** Monirpoor1357@gmail.com

Received: 20 October 2018; **Accepted:** 20 November 2018

Abstract

Background & Objective: One of the most important periods of life is marriage. The family is the first founder of personality, values and intellectual criteria, which plays an important role in determining the future, lifestyle, ethics, health and mental health of the individual. The issue of the relationship between parents and children has attracted the opinion of experts and educators for many years. The family is the first step that create a link between the child and his surroundings. Each family uses a special way of parenting in the education of their children, influenced by a variety of factors, including cultural, social, political and economic factors. Contemporary research on parenting practices emphasizes the combination of different parenting practices with a cognitive typology approach. Differences in the core elements of parenting (such as kindness, being involved, age–old requests and supervision) make changes in how the child responds to the effects of parents. Studies have argued that marital problems are rising and divorce has increased. Therefore, researchers should consider factors related to marital adjustment. Studies have shown that coping strategies, parenting, and early maladaptive schemas are related to marital adjustment. Although most studies have shown the relationship between marital adjustments, coping strategies, parenting and early maladaptive schemas, but has not been explained a statistical model for predicting marital adjustment with respect to coping strategies, parenting and early maladaptive schemas. Therefore, the purpose of this study was to provide a model of marital adjustment based on parenting styles with mediating disconnection/rejection schema and coping strategies.

Methods: The present study was a descriptive study done by correlation method. The statistical population of the present study was couples who referred to welfare counseling centers of Alborz province (North of Iran) in 2017. According to the estimates, 570 (50% female) samples were selected. The instruments were marital adjustment questionnaire (Spinner, 1976) and Yang–Rae coping strategies questionnaire (1994), Young parenting inventory (Young, 1994), and early maladaptive schemas questionnaire–short form (Young, 1988). The used questionnaires had a good validity and reliability. Data were analyzed using linear modeling, Pearson correlation and independent t–test using SPSS–22 software.

Results: Pearson correlation results showed a positive and significant correlation between parenting, regeneration strategy, avoidance strategy and disconnection/rejection schema ($p<0.001$). In addition, there was a positive and significant correlation between marital adjustment, regeneration strategy and parenting ($p<0.001$), but there was a negative correlation between marital adjustment and disconnection/rejection schema ($p<0.001$). The results of structured modeling of path analysis showed that parenting styles with mediating role of avoidance, regeneration strategies and disconnection/rejection schema could explain marital adjustment ($p<0.001$).

Conclusion: In general, the findings revealed parenting with the mediator roles of avoidance, regeneration strategies and impaired limits schema in explaining marital adjustment.

Keywords: Marital adjustment, Coping strategies, Parenting style, Impaired limits schema**.**

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۸؛ (۹):۹۰.

انتشار برخط آذرماه ۱۳۹۸ مقاله پژوهشی اصیل

مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل و راهبردهای مقابله‌ای

سمیه اینانلو گنجی[۱]، *نادر منیرپور[۲]، مجید ضرغام حاجبی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران؛

۲. دکتری روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران؛

۳. دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Monirpoor1357@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۸ مهر ۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۹ آبان ۱۳۹۷

چکیده

هدف و زمینه: سازگاری زناشویی به‌معنای ظرفیت سازگارشدن با مشکلات و توانایی حل آن‌ها است. پژوهشگران امروزه به‌دنبال یافتن عوامل مرتبط با این سازگاری هستند. پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل و راهبردهای مقابله‌ای انجام شد.

روش‌بررسی: این مطالعه از نوع همبستگی بود. جامعهٔ آماری را زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. در این پژوهش، پرسشنامهٔ سازگاری زناشویی (اسپینر، ۱۹۷۶)، پرسشنامهٔ راهبردهای مقابله‌ای یانگ‌ـرای (۱۹۹۴)، پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده (یانگ، ۱۹۹۴) و پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیهٔ یانگ‌ـ فرم کوتاه (یانگ، ۱۹۸۸) به‌کار رفت. داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۲ و AMOS نسخهٔ ۲۳ تحلیل شدند. سطح معناداری ۰/۰۵ برای تحلیل‌های آماری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای جبران ($p<۰/۰۰۱$) و اجتناب ($p<۰/۰۰۱$) و طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل ($p<۰/۰۰۱$) می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند ($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: به‌طورکلی یافته‌ها تأییدکنندهٔ مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل و راهبردهای مقابله‌ای بودند.

کلیدواژه‌ها: سازگاری زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای، سبک فرزندپروری، طرحوارهٔ محدودیت مختل.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵ ، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

۱ مقدمه

افزایش شیوع طلاق، به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی، علایق پژوهشی محققان را در زمینهٔ عوامل تداوم روابط زناشویی برانگیخته است. باوجود آمار زیاد طلاق تعجب‌آور نیست که دانشمندان علوم اجتماعی مشتاقانه در پی پاسخ به این سؤال هستند که راز ماندگاری ازدواج‌ها چیست؟ پژوهش‌ها تأکید دارند که درماندگی زناشویی و تعارض مخرب آن، عوامل بسیار خطرساز در بیشتر اختلال‌ها و آسیب‌های روان‌شناختی به‌شمار می‌آید و موجب ناتوانی در سیستم خانواده و زوجین شده که درواقع این نوع ناتوانی، مشکلات اجتماعی و بین‌فردی و فردی را به‌دنبال دارد. زمانی‌که شخص دارای احساس ناتوانی در زندگی زناشویی و رضایت کمی باشد، باعث می‌شود تا در رفتارهای اجتماعی و بین‌فردی نیز دچار مشکل و ناتوانی شود (۱).

ازدواج را در همهٔ جوامع، نهادی مهم می‌شمرند و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هرکسی توان‌مندی عمده‌ای به‌شمار می‌رود. از مسائل بسیار مهم مدنظر مشاوران خانواده و ازدواج، ارائهٔ الگویی برای کسب سازگاری و تفاهم در زوجین است که کارکرد پیشگیرانه برای حفظ اساس خانواده داشته و نیز در درمان، مشکلات احتمالی پیش رو را حل می‌کند؛ ازاین‌رو شناسایی و بررسی عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ سازگاری در بین زوجین ضرورت دارد. در زندگی زناشویی، سازگاری فرآیندی مستمر و در حال تغییر است (۲). سازگاری زناشویی، ظرفیت سازگارشدن با مشکلات و توانایی حل آن‌ها بیان می‌شود (۳).

چندین مدل در زمینهٔ سازگاری زناشویی وجود دارد. یکی از انواع بسیار قدیمی آن مدل دی گاست و زی[1] است (۴). آنان در مدل خود دلیل نبود سازگاری زناشویی را باورهای غیرمنطقی می‌دانند. ازطرفی‌دیگر، مدل باکوم[2] و همکاران (۵) پنج طبقه را در سازگاری زناشویی معرفی می‌کند: ۱. توجه انتخابی؛ ۲. اسنادها؛ ۳. انتظارها؛ ۴. فرضیه‌ها؛ ۵. استانداردها. به‌اعتقاد ایشان توجه انتخابی بر مشکلات خاص و انتظارها دربارهٔ رفتارهایی که در آینده باید اتفاق بیفتد و استانداردگذاری در زندگی، سبب کم‌شدن سازگاری زناشویی می‌شود. در مقایسهٔ بین دو مدل، براساس پژوهش‌های مرتبط با درمان‌های شناختی‌رفتاری، نتایج نشان‌دهندهٔ علت اصلی در باورها و شناخت‌ها بوده که سبب می‌شود زوجین درمقابل موقعیت‌های استرس‌زا راهبرد اشتباهی انتخاب کرده و درنتیجه رضایت کاهش پیدا می‌کند (۲). درواقع واکنش افراد درمواجهه با موقعیت اضطراب‌آور زندگی به‌منظور انطباق با محیط است تا مجبور نشوند هیجان‌های شدید واستیصال‌کننده را تجربه کنند. راهبردهای مقابله‌ای شامل دو دسته می‌شود: راهبردهای مقابله‌ای سازگار و راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار که جبران افراطی و اجتناب و تسلیم را در بر می‌گیرد و در پژوهش مدنظر بررسی می‌شود (۶). لازاروس دو راهبرد را برای مقابله با وضعیت استرس‌زا، از هم متمایز کرده است: مقابلهٔ متمرکز بر مسئله؛ مقابلهٔ متمرکز بر هیجان. در رفتار مقابله‌ای متمرکز بر مسئله، فرد برای تغییر مستقیم عوامل تنش‌زا وارد عمل می‌شود. درحالی‌که در رفتار مقابله‌ای متمرکز بر هیجان، توجه فرد بیشتر به تغییر احساسات معطوف به آن است. در مقابلهٔ متمرکز بر هیجان، شخص سعی می‌کند هیجان‌های خود را کنترل کند (۷).

همچنین، همان‌طور که اشاره شد، یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری سازگاری و رضایت زناشویی، باورها و شناخت‌های فرد است (۳). این باورها ممکن است از دوران کودکی همراه فرد باشد که می‌تواند بر رفتارهای او در بزرگسالی تأثیر زیادی بگذارد. درواقع، این اعتقاد وجود دارد که پایه‌های اساسی ایجادشده در زندگی زناشویی، از یک‌سری ویژگی‌های بنیادی دوران طفولیت تا بزرگسالی شکل می‌گیرد (۳). از ویژگی‌های بنیادی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. طرحواره‌ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و قادرند به آن سمت‌وسو دهند؛ بنابراین می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوران تحولی شکل گرفته‌اند با رفتارهای ناسازگار در مقاطع بعدی رشد اشخاص، رابطه برقرار کرد (۸). یکی از طرحواره‌های مؤثر بر ناسازگاری‌ها، طرحوارهٔ حیطهٔ محدودیت مختل است. طرحوارهٔ محدودیت مختل در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آید که به‌جای انضباط، مواجههٔ مناسب، محدودیت‌های منطقی، مسئولیت‌پذیری، همکاری متقابل و هدف‌گزینی، وجه مشخصهٔ آن‌ها سهل‌انگاری افراطی، سردرگمی یا حس برتری است. این طرحواره‌ها منجربه بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه می‌شود (۹).

به‌طورکلی، اگر بخواهیم دیدگاه بنیادی‌تری به عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی داشته باشیم، بهتر است عامل‌های اثرگذار بر راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره‌های فرد مانند محرومیت بررسی شود. از عوامل بسیار مهم، سبک‌های فرزندپروری است. از لحاظ نظری، دوربین، دارلینگ و استاینبرگ و براون (۱۰) شیوه‌های فرزندپروری را به‌عنوان نوعی نگرش و رفتار که سبب فضای عاطفی گسترده‌ای شده و تعیین‌کنندهٔ نوع تعامل کودک با پدرومادر بوده، تعریف کرده‌اند. سبک‌های فرزندپروری می‌تواند به‌عنوان الگوی رفتاری تعریف شود که مراقبان اولیهٔ کودک، از آن برای تعامل با فرزندان خود استفاده می‌کنند. این سبک‌ها درواقع از فضایی عاطفی ایجاد شده است که رفتار پدرومادر را در آن بیان می‌دارد. در تحقیقی مشخص شد که عوامل روانی، اجتماعی، فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد بر میزان سازگاری زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (۱۱). پژوهشی دیگر نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای با تفاهم‌های زناشویی مرتبط است (۱۲). مطالعات به نقش مؤثر راهبردهای مقابله‌ای به‌خصوص راهبردهای کارآمد جهت ثبات در زندگی به‌ویژه زندگی زناشویی اشاره کرده‌اند (۱۳،۱۴). همچنین، ولفرات و همپل و میلز (۱۵) نشان دادند والدین دارای سبک فرزندپروری ادراک‌شده از نوع سهل‌گیر و مقتدرانه، راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار دارند. نیجهوف و انگلز (۱۶) دریافتند که دانش‌آموزان با والدین سهل‌گیر، دارای راهبرد مقابله‌ای مؤثری نیستند؛ بنابراین متغیرهای بررسی‌شده در ارتباط با سازگاری زناشویی در این پژوهش شامل راهبردهای مقابله‌ای و طرحوارهٔ حیطهٔ محدودیت مختل و سبک‌های فرزندپروری بود.

[1]. DiGiuseppe, & Zee

[2]. Baucom

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

اکثر مطالعات ارتباط بین سازگاری زناشویی، سبک‌های فرزندپروری، راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره‌های ناسازگاری اولیه را نشان داده‌اند؛ اما به‌طور دقیق دربارهٔ مدل‌یابی اثرات متغیرها بر سازگاری زناشویی بحث نشده است. باتوجه به اهمیت زندگی زناشویی و سازگاری آن‌ها و همچنین براساس پایه‌های نظری موجود که تأکید بر نقش اساسی راهبردهای مقابله‌ای، سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌ها و شناخت‌های اولیه دارند؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ مدل سازگاری زناشویی بر اساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل و راهبردهای مقابله‌ای انجام شد.

۲ روش‌بررسی

این مطالعه از نوع توصیفی بود که به‌روش همبستگی انجام شد. جامعهٔ آماری را زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. باتوجه به اینکه پژوهش حاضر روش آماری معادلات ساختاری را اتخاذ کرد؛ ۵۷۰ نفر (۵۰درصد مؤنث) نمونه‌ها به‌روش دردسترس انتخاب شدند. شرایط ورود به پژوهش زوجینی بودند که با یکدیگر زندگی مشترک داشتند. جهت رعایت اصول اخلاقی، قبل از شرکت در مطالعه از شرکت‌کنندگان رضایت آگاهانه گرفته شد.

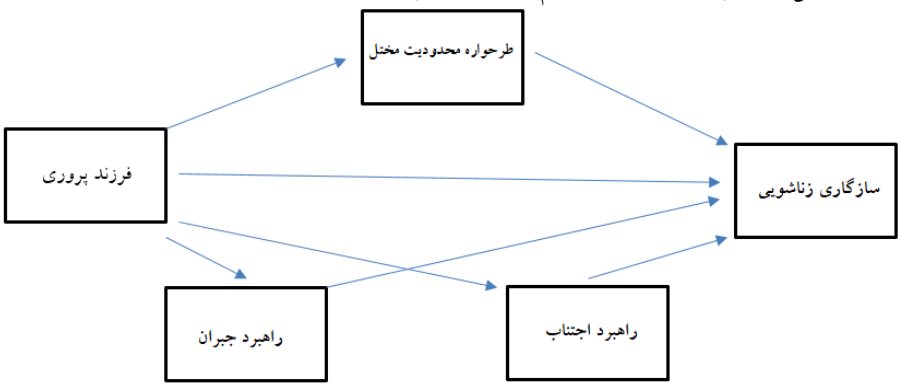

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

ـ پرسشنامهٔ سازگاری زناشویی: این پرسشنامه ابزاری ۳۲سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطهٔ زناشویی از نظر زن و شوهر بوده که باهم زندگی می‌کنند. مقیاس مذکور را اسپنیر در سال ۱۹۷۶، برای سنجش میزان سازگاری زناشویی تهیه کرد. این مقیاس چهار بُعد رابطه را می‌سنجد که عبارت است از: رضایت زوجی؛ توافق زوجی؛ همبستگی زوجی؛ ابراز محبت زوجی. مقیاس نمره‌گذاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی می‌دهد. نمرات بیشتر، رابطهٔ بهتر و سازگارتر را بیان می‌کند. سؤال‌های خرده‌مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲؛ همبستگی دونفری: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸؛ توافق دونفری: ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵؛ ابراز محبت: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود. کل مقیاس دارای آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است که از همسانی درونی درخورتوجهی حکایت دارد. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین خوب تا عالی و بدین‌ترتیب است: رضایت زوجی ۰/۹۴؛ همبستگی زوجی ۰/۸۴؛ توافق زوجی ۰/۹۰؛ ابراز محبت زوجی ۰/۷۳. این مقیاس از روایی محتوایی و نیز از روایی هم‌زمان برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک‌ـ والاس همبستگی دارد (۱۷). در ایران، ملازاده و همکاران، همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کردند و نشان دادند که پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است (۱۸).

ـ پرسشنامهٔ راهبردهای مقابله‌ای یانگ‌ـ رای: پرسشنامهٔ اجتناب یانگ‌ـ رای ۴۰ سؤالی بوده که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی طراحی شد. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ داده می‌شود. راهبردهای اجتنابی براساس این پرسشنامه شامل فکرنکردن به‌طور عمده دربارهٔ مسائل ناخوشایند، سوءمصرف مواد، انکار ناخوشی، کنترل و منطقی‌بودن افراطی، سرکوب خشم، علائم روانی‌ـ جسمی، گوشه‌گیری و دوری‌گزینی از مردم، انکار خاطرات، اجتناب ازطریق خوابیدن/فقدان انرژی، حواس‌پرتی از راه درگیرشدن در فعالیت‌های مختلف، آرام‌کردن خود (خوردن، خریدکردن و مانند آن)، بازداری منفعلانه هیجان‌های ناخوشایند، حواس‌پرتی منفعل، رؤیاپردازی و اجتناب از موقعیت‌های ناخوشایند است. جبران افراطی یانگ‌ـ رای در ۱۹۹۴، ۴۷ سؤال دارد که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی طراحی شده است. به هر سؤال نمرهٔ ۱ تا ۶ داده می‌شود. هر پرسش دارای زیربنایی از چند طرحوارهٔ مختلف است که راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی چون رفتار انتقادگرایانه، خوداتکایی افراطی، ذهن وسواسی، خوش‌بینی بیش‌ازحد، رفتارهای تکانشگرانه، ناارزنده‌سازی و... در پاسخ به طرحواره صورت می‌گیرد. نمرات بیشتر نشان‌دهندهٔ وجود جبران افراطی غالب در فرد است. در مطالعه‌ای توسط بایرامی و همکاران ضریب پایایی این پرسشنامه در نمونهٔ ایرانی ازطریق دونیمه‌سازی برابر ۰/۷۹ برآورده شد (۱۹) و در این مطالعه، آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۲ به‌دست آمد.

ـ پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده: یانگ در ۱۹۹۴ این مقیاس را که پرسشنامه‌ای خودگزارشی با ۷۲ گویه است برای شناخت ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها طراحی کرد. پاسخ‌دهندگان رفتارهای مختلف پدرومادرشان را به‌صورت جداگانه درجه‌بندی می‌کنند. برای درجه‌بندی در YPI، مقیاس لیکرت شش‌درجه‌ای به‌کار رفت و سؤال‌ها به‌وسیلهٔ طرحواره‌ها گروه‌بندی شده است. این ابزار دارای هفده زیرمقیاس محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی/بی‌کفایتی، نقص/شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری،

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

معیارهای سرسختانه، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری/خودانضباطی ناکافی، گرفتار، منفی‌گرایی، بدبینی، بازداری هیجانی، تنبیه، پذیرش‌جویی/جلب توجه است. هرکدام از این زیرمقیاس‌ها ریشه‌های تحولی هریک از طرحواره‌ها را نشان می‌دهد؛ برای مثال زیرمقیاس محرومیت عاطفی نشان‌دهندهٔ ریشهٔ طرحوارهٔ محرومیت هیجانی مربوط به پدر یا مادر است (۲۰). در پژوهش صلواتی برای فرم مادر ضریب پایایی ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب پایایی۰/۸۰ به‌دست آمد (۲۱). میزان پایایی نمرهٔ کل این پرسشنامه در سایر پژوهش‌های انجام‌شده با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بود. به‌منظور بررسی روایی سازهٔ پرسشنامهٔ فرزندپروری یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ تحت بررسی قرارگرفت. نتایج مشخص کرد که بین نمرات دو مقیاس همبستگی معناداری وجود دارد. به‌طورکلی این پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است.

ـ پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیهٔ یانگ ـ فرم کوتاه سال ۱۹۸۸: پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ فرم کوتاه (YSQ-SF) توسط یانگ برای اندازه‌گیری پانزده طرحواره (پنج حیطه) ساخته شد. این مقیاس ۷۵ ماده دارد که در طیف لیکرت شش‌درجه‌ای (کاملاً غلط تا کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. باتوجه به هدف پژوهش، ماده‌های مربوط به حیطهٔ محدودیت مختل به‌کار رفت و درنهایت نمرهٔ کل مقیاس بررسی شد. این حیطه شامل طرحوارهٔ استحقاق بزرگ‌منشی (سؤال‌های ۶۶تا۷۰) و طرحوارهٔ خویشتن‌داری و خودانضباطی ناکافی (سؤال‌های ۷۱تا۷۵) است. در مطالعهٔ خارجی اویی و همکاران، روایی و پایایی پرسشنامه را مناسب ارزیابی کردند (۲۲). در ایران (۲۳)، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس توسط ابراهیمی بررسی شد. تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس برای پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین بیست عامل را نشان داد. نتایج به‌دست‌آمده دربارهٔ همسانی کل مقیاس و عوامل بیست‌گانه حاکی‌از پایایی زیاد مقیاس و نتایج حاصل از تعیین پایایی آزمون به‌روش آزمون‌ـ‌بازآزمون برابر با r=۰/۸۷ بود. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۵ به‌دست آمد.

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده شد. باتوجه به اینکه در پژوهش حاضر روابط میان متغیرها در چارچوب الگویی علّی مطالعه شده است، برای بررسی مدل مفروض، آمار استنباطی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌کار رفت و داده‌ها به‌کمک نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۲ و AMOS نسخهٔ ۲۳ تحلیل شدند. قبل از تحلیل مدل ساختاری، ابتدا نمرهٔ کل هر متغیر به‌عنوان یک‌نمره از یک‌سازه به‌دست آمد. سپس نرمال‌بودن چندمتغیرهٔ داده‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که داده‌ها به‌صورت چندمتغیرهٔ نرمال است. برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجذور خی دو، شاخص برازندگی تطبیقی CFI، شاخص نیکویی برازش GFI، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شدهٔ AGFI و ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA ارزیابی شد. به‌منظور برازش الگو ضروری است که شاخص‌های مذکور استانداردهای لازم را داشته باشد. چنانچه شاخص X^2/df کوچک‌تر از ۲/۵ باشد، مقدار RSMEA کوچک‌تر و به صفر نزدیک‌تر است. همچنین اگر شاخص‌های برازش (GFI، AGFI، CFI) به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی تأیید می‌شود (۲۴).

۳ یافته‌ها

سن شرکت‌کنندگان مذکر و مؤنث از نظر میانگین±انحراف معیار به‌ترتیب، ۶/۶۰±۳۷/۲۸ و ۶/۴۹±۳۳/۲۷ و میانگین±انحراف معیار سن کل شرکت‌کنندگان ۶/۸۴±۳۵/۲۷ بود. ۳۰درصد (۱۷۱ نفر) از شرکت‌کنندگان مدرک کارشناسی، ۲۰/۲درصد (۱۱۵ نفر) مدرک دیپلم، ۲۰/۲درصد (۱۱۵ نفر) مدرک کارشناسی‌ارشد، ۱۹/۸درصد (۱۱۳ نفر) مدرک سیکل و ۹/۸درصد (۵۶ نفر) مدرک کاردانی داشتند.

میانگین (انحراف معیار) سازگاری زناشویی و راهبرد مقابله‌ای جبران و راهبرد مقابله‌ای اجتنابی به‌ترتیب، ۱۱۰/۴۱ (۱۳/۸۷) و ۱۳۶/۴۳ (۱۹/۲۹) و ۸۲/۱۲ (۱۲/۷۲) و همچنین، میانگین (انحراف معیار) طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل و فرزندپروری به‌ترتیب، ۱۹/۷۹ (۸/۴۸) و ۲۰۱/۱۷ (۳۶/۹۸) بود.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون بین راهبردهای مقابله‌ای، طرحوارهٔ محدودیت مختل، سبک فرزندپروری و سازگاری زناشویی

متغیر	راهبرد جبران	راهبرد اجتناب	طرحواره محدودیت مختل	فرزندپروری	سازگاری زناشویی
راهبرد جبران	۱				
راهبرد اجتناب	۰/۲۸۸**	۱			
طرحوارهٔ محدودیت مختل	۰/۱۳۱ـ*	۰/۰۱۹	۱		
فرزندپروری	۰/۳۱۷**	۰/۰۱۷ـ	۰/۰۸۳ـ*	۱	
سازگاری زناشویی	۰/۳۱۹**	۰/۰۱۷	۰/۲۸۵ـ**	۰/۲۵۱**	۱

جدول ۱ نشان‌دهندهٔ نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش است. پیش از اجرای همبستگی پیرسون، نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف‌اسمیرنف بررسی شد که یافته‌ها مشخص کرد داده‌ها نرمال است. همان‌طورکه مشاهده می‌شود، بین راهبرد جبران ($p<۰/۰۵$) و سازگاری زناشویی ($p<۰/۰۰۱$) با طرحوارهٔ محدودیت مختل ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین سازگاری زناشویی و راهبرد جبران و فرزندپروری ارتباط مثبت و معناداری دیده می‌شود ($p<۰/۰۰۱$)؛ اما بین سازگاری زناشویی و

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

راهبرد اجتناب و بین طرحوارهٔ محدودیت مختل و راهبرد اجتناب ارتباط معناداری به‌دست نیامد. نتایج حاصل از بررسی معادلات ساختاری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نیکویی برازش مدل ساختاری

درجهٔ آزادی	خی‌دو	X^2/Df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	مقدار p
۶	۱۰	۱/۶۶۶	۰/۰۰۱	۰/۹۴۷	۰/۸۱۳	۰/۹۲۳	<۰/۰۰۱

باتوجه به جدول ۲، نسبت خی‌دو به درجهٔ آزادی کمتر از ۲/۵ بوده و میزان RMSEA نزدیک به صفر به‌دست آمد. همچنین، مقدار GFI و AGFI و CFI نزدیک به یک است؛ درنتیجه، مدل ارائه‌شده برازش و روایی دارد (p<۰/۰۰۱).

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	مقدار p
فرزندپروری بر سازگاری زناشویی	۰/۰۵۲	۰/۰۴۲	۰/۰۹۴	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر راهبرد اجتناب	۰/۰۵۴	–	۰/۰۵۴	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر راهبرد جبران	۰/۱۸۴	–	۰/۱۸۴	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر طرحوارهٔ محدودیت مختل	–۰/۰۰۸	–	–۰/۰۰۸	<۰/۰۰۱
راهبرد اجتناب بر سازگاری زناشویی	–۰/۲۷۷	–	–۰/۲۷۷	<۰/۰۰۱
راهبرد جبران بر سازگاری زناشویی	۰/۲۷۸	–	۰/۲۷۸	<۰/۰۰۱
طرحوارهٔ محدودیت مختل بر سازگاری زناشویی	–۰/۶۸۰	–	–۰/۶۸۰	<۰/۰۰۱

جدول ۳ میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل هر سازه را به سازگاری زناشویی نشان می‌دهد. باتوجه به شکل ۲ و جدول ۳، اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل سازهٔ فرزندپروری بر سازگاری زناشویی به‌ترتیب، ۰/۰۵۲ و ۰/۴۲ و ۰/۰۹۴ است؛ ازاین‌رو، نتیجه‌گیری می‌شود که فرزندپروری می‌تواند با نقش میانجی راهبردهای جبران و اجتناب و طرحواره محدودیت مختل، مدل مطلوبی را ارائه دهد.

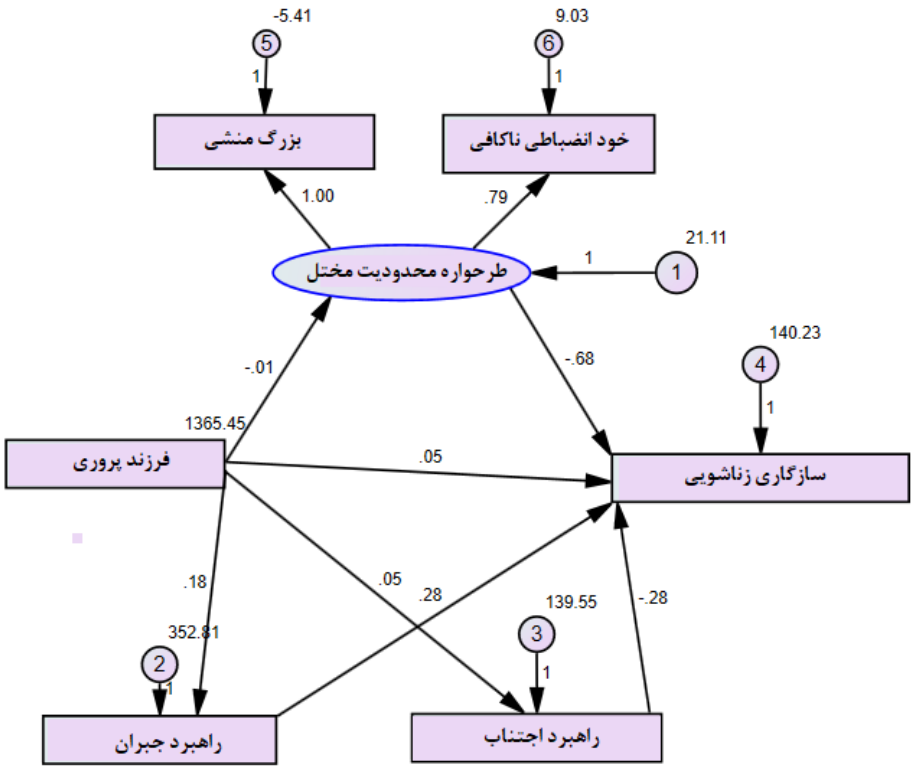

شکل ۲. مدل تحلیل مسیر جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

۴ بحث

هدف از انجام پژوهش تبیین سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای و طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل بود. نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای جبران و اجتناب و طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند. اکثر پژوهش‌های پیشین مشخص کردند که بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زوجین ارتباط وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، بومن نشان داد که این راهبردها با رضایت و سازگاری همسران مرتبط است (۲۵). گاسباریني و همکاران نیز گزارش کردند که راهبردهای مذکور نقش مهمی را در زندگی زناشویی دارد (۲۶). همچنین، براساس نتایج دیگر پژوهش‌ها، بین سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های اولیه و سازگاری زناشویی ارتباط دیده می‌شود (۱۵،۱۶). بااین‌حال، تفاوت اصلی بین یافته‌های این مطالعه و تحقیقات پیشین در نوع روش پژوهش بود. در این مطالعه مدل‌یابی ساختاری تحلیل مسیر جهت تبیین سازگاری زناشویی به‌کار رفت؛ درحالی‌که پژوهش‌های قبلی از روش‌های همبستگی و رگرسیون استفاده کردند.

جهت تبیین یافته‌ها می‌توان به نقش اساسی سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله‌ای و طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل در تبیین سازگاری زناشویی اشاره کرد. ابتدا در ارتباط با نقش سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان عاملی بنیادی بحث می‌شود. براساس رویکردهای تحولی، سبک‌های فرزندپروری نقش ویژه‌ای را در پیش‌بینی رفتارهای آینده فرد بازی می‌کند (۸،۱۰). فرزندپروری سازه‌ای است که نه‌تنها با راهبردهای مقابله‌ای، بلکه با طرحواره‌های حوزهٔ محدودیت مختل نیز ارتباط دارد؛ برای مثال، در دوران کودکی، سهل‌گیری والدین، فرد را در دوران بزرگسالی دچار مشکلات انضباطی و سهل‌گیری می‌کند که مشخصهٔ اصلی طرحوارهٔ محدودیت مختل است. درواقع شکل‌گیری طرحواره باعث می‌شود تا فرد حس کند که درمقایسه با دیگران یک‌سر و گردن بیشتر بوده و حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است. این افراد به‌جای رسیدگی به نیازهای خود به‌دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. آن‌ها این کار را برای دستیابی به تأیید و تداوم رابطهٔ هیجانی یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند. این افراد در کودکی آزاد نبودند تا از تمایل‌های طبیعی خودشان پیروی کنند و در بزرگسالی به‌جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند از محیط بیرون تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران تبعیت می‌کنند (۱۵). درواقع، در اکثر این خانواده‌ها والدین به‌جای توجه و اهمیت قائل‌شدن برای نیازهای منحصربه‌فرد کودک، بیشتر نیازهای هیجانی یا منزلت اجتماعی خود را مهم دانستند. در این راستا، جونز و کاسیدی و شاور (۲۷) تأکید کردند نوع فرزندپروری باعث شکل‌گرفتن رفتارها و شناخت‌های متفاوت خواهد شد؛ بنابراین، نوع واکنش والدین درقبال فرزند خود سبب شکل‌گیری طرحواره‌های فرد شده و همچنین موجب می‌شود تا راهبردهای مقابله‌ای به‌شیوهٔ سازگارانه یا ناسازگارانه نمایان شود.

همچنین باتوجه به سبک‌های مقابله‌ای، زوجین در زمان به‌کاربردن سبک مقابله‌ای اجتناب، سعی می‌کنند زندگی خود را طوری تنظیم کرده که طرحواره‌ها هیچ‌وقت فعال نشود. آن‌ها در تلاش بوده با آگاهی زندگی کنند؛ انگار که اصلاً طرحواره‌ها وجود ندارد. از فکرکردن راجع به طرحواره اجتناب می‌ورزند و در صورت بروز چنین افکار و تصاویری تلاش در پرت‌کردن حواس خود دارند و اصلاً نمی‌خواهند طرحواره را احساس کنند (۲۸). به‌نظر می‌رسد همسرانی که دارای طرحوارهٔ محدودیت مختل و سبک مقابله‌ای اجتناب هستند، از تمامی رابطه‌های بین‌فردی اجتناب کرده و نیز به‌دنبال روابط متفاوت با خواسته‌های فرد، نمی‌روند.

همچنین، وقتی همسران سبک جبران را به‌کار می‌برند، ازطریق فکر، احساس، رفتار و روابط بین‌فردی به‌گونه‌ای با طرحواره می‌جنگند که انگار طرحوارهٔ متضادی دارند. آن‌ها احتمالاً سعی می‌کنند تا حد امکان با دوران کودکی خویش یعنی زمان شکل‌گیری طرحواره‌ها متفاوت باشند. اگر در دوران کودکی احساس بی‌ارزشی داشتند، بعداً در دوران بزرگسالی، تلاش کرده افرادی بی‌عیب و نقص جلوه کنند. اکر در کودکی مطیع بودند، در بزرگسالی رو در روی همه می‌ایستند. جبران افراطی را می‌توان به‌عنوان کوشش نسبتاً سالمی جهت حملهٔ متقابل علیه طرحواره در نظر گرفت که متأسفانه به هدف خود دست نمی‌یابد و به‌جای بهبود طرحواره به تداوم آن منجر می‌شود (۲۸). درواقع براساس مدل ارائه‌شده به‌نظر می‌رسد، زمانی‌که همسران از راهبرد جبران استفاده می‌کنند، احتمالاً به‌دنبال انجام رفتارهای منفعلانه و پرخاشگرانه یا نافرمانی هستند و دربرابر زوج خود پرخاشگری منفعلانهٔ بیشتری بروز می‌دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تبیین سازگاری زناشویی مدل ارائه‌شده را مجدداً در فرهنگ‌های مختلف آزمون کنند تا اعتبار نتایج پژوهش حاضر تحت بررسی دقیق‌تری قرار بگیرد.

۵ نتیجه‌گیری

به‌طورکلی یافته‌ها نشان‌دهندهٔ نقش راهبردهای جبران و اجتناب و طرحوارهٔ حوزهٔ محدودیت مختل در تبیین سازگاری زناشویی است. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تبیین سازگاری زناشویی مدل ارائه‌شده را مجدداً در فرهنگ‌های مختلف آزمون کنند تا اعتبار نتایج پژوهش حاضر بررسی دقیق‌تری شود.

۶ تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری دانشگاه آزاد اسلامی قم است. از مساعدت شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین هیچ‌گونه تضاد منافعی بین نویسندگان وجود ندارد.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

References

1. Lucas-Thompson RG, Lunkenheimer ES, Dumitrache A. Associations between marital conflict and adolescent conflict appraisals, stress physiology, and mental health. J Clin Child Adolesc Psychol. 2017;46(3):379-93. doi:10.1080/15374416.2015.1046179
2. Schumacher JA, Leonard KE. Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. J Consult Clin Psychol. 2005;73(1):28-37. doi:10.1037/0022-006X.73.1.28
3. Hamamci Z. Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. Soc Behav Pers. 2005;33(4):313-28. doi:10.2224/sbp.2005.33.4.313
4. DiGiuseppe R, Zee C. A rational-emotive theory of marital dysfunction and marital therapy. J Ration Emot Cogn Behav Ther. 1986;4(1):22-37. doi:10.1007/BF01073478
5. Baucom DH, Epstein N, Sayers S, Sher TG. The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. J Consult Clin Psychol. 1989;57(1):31-8. doi:10.1037//0022-006x.57.1.31
6. Sirois FM, Molnar DS, Hirsch JK. Self-compassion, stress, and coping in the context of chronic illness. Self Identity. 2015;14(3):334-47. doi:10.1080/15298868.2014.996249
7. Lazarus RS. Coping theory and research: Past, present, and future. In: Lazarus RS. Fifty years of the research and theory of RS Lazarus: An analysis of historical and perennial issues. First edition. London, UK: Psychology Press; 1993:366-88.
8. Thimm JC. Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. J Behav Ther Exp Psychiatry. 2010;41(4):373-80. doi:10.1016/j.jbtep.2010.03.009
9. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. N.Y, USA: Guilford Press; 2003.
10. Durbin DL, Darling N, Steinberg L, Brown BB. Parenting style and peer group membership among European-American adolescents. J Res Adolesc. 1993;3(1):87-100. doi:10.1207/s15327795jra0301_5
11. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. J Sex Marital Ther. 2005;31(5):409-24. doi:10.1080/00926230591006719
12. Hetherington EM. Coping with marital transitions: A family systems perspective. Monogr Soc Res Child Dev. 1992;57(2-3):1-14. doi:10.1111/j.1540-5834.1992.tb00300.x
13. Wunderer E, Schneewind KA. The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. Eur J Soc Psy. 2008;38(3):462-76. doi:10.1002/ejsp.405
14. Bodenmann G, Pihet S, Kayser K. The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. J Fam Psychol. 2006;20(3):485-93. doi:10.1037/0893-3200.20.3.485
15. Wolfradt U, Hempel S, Miles JNV. Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents. Pers Individ Dif. 2003;34(3):521-32. doi:10.1016/S0191-8869(02)00092-2
16. Nijhof KS, Engels RC. Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness. J Adolesc. 2007;30(5):709-20. doi:10.1016/j.adolescence.2006.11.009
17. Besharat MA, Tashk A, Rezazadeh SMR. Explaining the role of coping styles in marital satisfaction and mental health. Contemporary Psychology. 2006;1(1):48-56. [Persian]
18. Mollazadeh J, Mansour M, Ejei J, Kiamanesh AR. Conflict styles and marital adaptation in controlled children. Journal of Psychology. 2002;6(3):255-75. [Persian]
19. Bayrami M, Bakhshipor A, Esmaeili A. The relationship between coping styles and early maladaptive schemas in disconnection-rejection and over vigilance-inhibition in young's schema model. Journal of Life Science and Biomedicine. 2012;2(4):178-81.
20. Sheffield A, Waller G, Emanuelli F, Murray J. Is comorbidity in the eating disorders related to perceptions of parenting? Criterion validity of the revised Young Parenting Inventory. Eat Behav. 2006;7(1):37-45. doi:10.1016/j.eatbeh.2005.05.009
21. Salavati M. The dominant schemas and the effectiveness of schema therapy in female patients with borderline personality disorder [Ph.D. Thesis]. [Tehran, Iran]: Psychiatric Institute of Tehran; 2007. [Persian]
22. Oei PT, Baranoff J. Young schema questionnaire: review of psychometric and measurement issues. Aust J Psychol. 2007;59(2):78-86. doi:10.1080/00049530601148397

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

23. Ebrahimi M. Psychometric properties of maladaptive yang questionnaire and its relationship with stress coping strategies in couples in Tehran. [Thesis for M.A in psychology]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2015. [Persian]
24. Loehlin JC. Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis. First edition. Bowman ML. Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. J Marriage Fam. 1990:52(2):463-74. doi:10.2307/353040
25. Bowman ML. Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. J Marriage Fam. 1990:52(2):463-74.
26. Gasbarrini MF, Snyder DK, Iafrate R, Bertoni A, Donato S, Margola D. Investigating the relation between shared stressors and marital satisfaction: The moderating effects of dyadic coping and communication. Fam Sci. 2015;6(1):143-9. doi:10.1080/19424620.2015.1082044
27. Jones JD, Cassidy J, Shaver PR. Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. Pers Soc Psychol Rev. 2015;19(1):44-76. doi:10.1177/1088868314541858
28. Van Vreeswijk M, Broersen J, Nadort M. The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research, and practice. First edition. New Jersey, USA: John Wiley & Sons; 2015.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.85.7]